

چگونه زندگی نامه بنویسیم؟

معرفی اجمالی

علی علیزاده

برایان د. آذربورن / ریچارد سایر؛ ترجمه محسن سلیمانی، تهران: سوره مهر، ۱۳۸۷.

را که درباره تجارب و مسائل بومی زندگی نامه‌نویسان آمریکا و انگلیس بود، حذف کردم و تنها بخش‌هایی را که برای همه مفید و در حقیقت جهانی است، نگه داشتیم. به خود اجازه دادم که هر جا مطالب کتاب‌ها جزء بافت خاص فرهنگی کشورهای دیگر است، برای استفاده بیشتر خوانندگان فارسی زبان، اطلاعات و مسائل خاص ایران جایگزین آن مطالب شود».

درباره نویسندگان

برایان د. آذربورن در سال ۱۹۴۱ میلادی در شهر گلاسکوی اسکاتلند متولد شد. وی سال‌ها در انگلستان به کار کتابداری و ریاست کتابخانه‌ها مشغول بود. اما در سال ۱۹۹۵ بازنشسته شد و از آن پس یک سره به کار نوشتن پرداخت.

وی تاکنون افزون بر بخشی از کتاب حاضر (زندگی نامه و شرح حال نویسی)، سه

جلد زندگی نامه مفصل تاریخی و ده‌ها زندگی نامه کوتاه و مقالات دیگر برای مجلات انگلستان و آمریکا نوشته است. همچنین یکی از نویسندگان فرهنگ اعلام ملی آکسفورد است و هم اکنون در اسکاتلند زندگی می‌کند.

زندگی نامه چیست؟

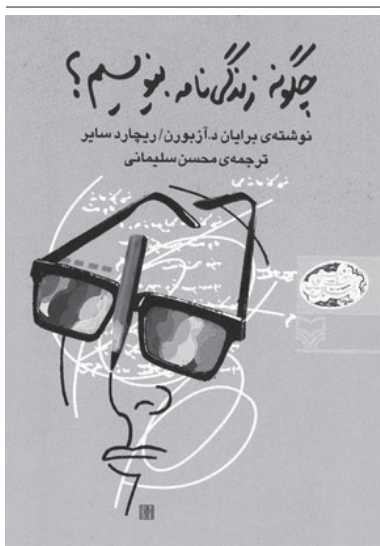
زندگی نامه که در قدیم به آن تذکره، سرگذشت یا سرگذشت نامه هم می‌گفتند، تاریخچه و شرح زندگی یک نفر است. البته در زندگی نامه‌های معاصر و واقعی، معمولاً شرح زندگی یک فرد، شامل تحلیل شخصیت، خلق و خو، تشریح محیط، تجربیات و فعالیت‌های فرد نیز می‌شود؛ آن هم به گونه‌ای که نویسنده در طول اثر برداشت منظم و واحدی از شخصیت به دست می‌دهد؛ اما اگر شخصی خودش زندگی نامه خودش را بنویسد، آن وقت قالب کمی متفاوت و جدیدی به نام شرح حال که اسم‌های زیاد دیگری مثل زندگی نامه خود نوشت، زندگی نامه شخصی، سرگذشت نامه خودنگاشت، خودزندگی نامه، حسب حال، اتوبیوگرافی و یا گاهی اعترافات هم روی آن گذاشته‌اند، به وجود می‌آید.

چگونه زندگی نامه بنویسیم

کتابی است که به آغازین راه‌ها و اصول و مبانی پردازش یک شرح حال و زندگی نامه کامل می‌پردازد.

کتاب حاضر که شاید نخستین کتاب در زبان فارسی درباره آموزش زندگی نامه‌نویسی باشد، ترجمه‌ای همراه با گزینش، از دو کتاب آموزشی در انگلستان و آمریکا است. این کتاب قرار است برخی از تجارب زندگی نامه‌نویسان آن سوی دنیا را در اختیار نوآموزان این سوی عالم قرار دهد. مترجم این اثر در مقدمه‌اش می‌نویسد:

«اما من هنگام ترجمه، ناگزیر دست به نوعی گزینش نیز زدم. نه تنها از میان چند کتاب در این زمینه، دو کتاب انگلیسی و آمریکایی را انتخاب کردم، بلکه در ترجمه این دو کتاب نیز برخی از قسمت‌ها



1. oxford dictionary of national biography .

فصل ۵: طراحی ساختار زندگی‌نامه

شرح حال باید انعطاف داشته باشید. پیدا کردن محور اصلی کتاب و شروع قوی و در ادامه شرح اتفاقات زندگی با رعایت ترتیب زمانی حوادث و شیوه‌های دیگر از مراحل طراحی ساختار زندگی‌نامه است. تناسب و وضعیت محیط به علاوه تصاویر مناسب و تعیین اسم کتاب و اسم‌های مشتری‌پسند نیز از ضرورت‌های این بخش است.

فصل ۶: شروع تحقیق

تحقیق را از کجا باید شروع کرد؟ از منابع اصلی چاپ، نشریات و منابع دیگر تحقیق (الف) بایگانی‌های محلی؛ ب) محل زندگی یا دفن؛ ج) مراکز اسناد و کتابخانه‌ها و ایجاد ارتباط شخصی یا مصاحبه، دیدن مکان‌ها برای ثبت چیزهای مختلف و عکس گرفتن؛ د) شانس.

فصل ۷: ساماندهی اطلاعات

در این فصل با اشاره به این که نویسنده باید کاملاً آماده باشد، بخواند، خلاصه و گزینش کند، یادداشت برداری و پیگیری منابع و مآخذ و در آخر بازنگری و دسته‌بندی مطالب به علاوه گاه‌شمار و چینش تقویمی رویدادها را نیز لازم و ضروری است.

فصل ۸: نگارش زندگی‌نامه

نیاز به برنامه‌ریزی کاملاً مورد توجه است. مخاطبان خود را بشناسید و اطلاعات کامل در اختیار آنها بگذارید و با پیدا کردن شیوه نگارش و صدای خاص زندگی‌نامه را بنویسید. نیاز به بازنویسی، داشتن کپی از مطالب، برنامه‌ریزی و به‌پایان بردن بقیه کار و آماده کردن متن نهایی برای ارائه به ناشران در این فصل بررسی می‌شود.

فصل ۹: رعایت حقوق دیگران

قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان، میزان مجاز نقل از آثار دیگران، ذکر منابع، افترا و انتحال هم از دیگر مباحثی است که در این فصل به آنها اشاره می‌شود.

فصل ۱۰: تصاویر و نمایه زندگی‌نامه

استفاده از تصاویر و نمایه جزء کاملاً ضروری در نوشتارهای امروزی است.

کتاب دوم: چگونه زندگی‌نامه بنویسیم، ریچارد سایر

فصل ۱۱: تحقیق درباره گذشته: پیش‌نویس سؤال‌هایی برای مصاحبه

در این فصل می‌خوانیم: آیا به فهرست سؤال‌های مصاحبه نیاز داریم؟ چه سؤال‌هایی باید پرسیم؟ پرسش‌هایی درباره پدر بزرگ‌ها، مادر بزرگ‌ها و اجداد؛ سؤال‌هایی درباره مادر بزرگ‌ها (از ناحیه پدری یا مادری)؛ سؤال‌هایی درباره پدر بزرگ‌ها (از طرف مادری و پدری)؛ سؤال‌هایی درباره مادر مصاحبه‌شونده؛ سؤال‌هایی درباره پدر مصاحبه‌شونده؛ انتقال به دوران کودکی.

ریچارد سایر مورخ و زندگی‌نامه‌نویس معاصر آمریکایی، اینک در آمریکا زندگی می‌کند. وی زندگی‌نامه‌نویس حرفه‌ای است و افزون بر زندگی‌نامه‌نویسی، گاه سرگذشت شرکت‌ها را نیز می‌نویسد. از جمله آثار او می‌توان به ماجرای ایرانی: اولین سفر تحقیقاتی استریت، سال‌های کشنده: زندگی‌نامه م. ل. بین آ و چگونه زندگی‌نامه و سرگذشت شرکت‌ها را بنویسیم؟، اشاره کرد.

مترجم کتاب محسن سلیمانی متولد ۱۳۳۸ شمسی، فارغ‌التحصیل زبان و ادبیات انگلیسی است و تاکنون علاوه بر سال‌ها تدریس درباره داستان‌نویسی بیش از شصت کتاب در زمینه داستان، نقد داستان و فنون داستان‌نویسی ترجمه و تألیف کرده است.

در این کتاب هفده فصل به علاوه ضامم و واژه‌نامه و نمایه‌های پایانی و فهرس اشخاص و کتاب‌ها و نشریات و مکان‌ها گنجانده شده است.

به صورت خلاصه مطالبی که در این کتاب بدان پرداخته شده است، عبارتند از:

کتاب اول: زندگی‌نامه و شرح حال نویسی، برایان د. آزبورن

فصل ۱: درباره زندگی‌نامه یا شرح حال نویسی

در این فصل با اشاره به پرهیز از دامچاله‌ها، نوشتن زندگی‌نامه شخصیت‌های واقعی، تبیین تاریخ و اهمیت اوضاع یک دوره به مهارت‌های لازم در امر نویسندگی و ارزیابی صحت و بی‌طرفی مطالب، به شیوه‌های نشر زندگی‌نامه به شکل کتاب و نشریه ادواری برای فروش می‌پردازد و در پایان به انتشار زندگی‌نامه به صورت رایگان نیز اشاره می‌کند.

فصل ۲: آیا همه می‌توانند زندگی‌نامه بنویسند؟

نویسنده با اشاره به خصوصیات نویسندگان حرفه‌ای و غیرحرفه‌ای، به بیان احساسات و تماشای تصویر بزرگ‌تر و در آخر حفظ نوعی بی‌طرفی منتقدانه در بیان مطالب می‌پردازد.

فصل ۳: چرا باید زندگی‌نامه بنویسیم؟

در ابتدای امر ارائه تصویری از محل زندگی شخصیت گفته می‌شود و در ادامه با اشاره به زندگی‌نامه‌های دسته‌جمعی، در پی جستجوی تاریخچه خانوادگی برمی‌آییم تا آنجا که به بازگویی داستان زندگی خودمان هم می‌پردازیم.

فصل ۴: پیدا کردن سوژه

در این بخش راه‌های مختلفی پیشنهاد می‌شود: انتخاب طبیعی جستجوی سوژه. گاهی سوژه‌ها به سراغ شما می‌آیند و گاهی برنامه‌ریزی مقدماتی و کسب آمادگی هم لازمه کار است.

2. these mortal years: the biography of m.l bean .

فضای قبل از آغاز و آغاز به کار بسیار مهم و اساسی است. آمادگی برای مصاحبه، مکان گفتگو، ایجاد فضای مناسب، شروع مصاحبه، مصاحبه با جویبی نیست.

فصل ۱۶: سامان دهی مطالب زندگی‌نامه

این فصل هم در ارائه اثری ماندگار و زیبا بسیار مهم است.

هر مطلب کجا باید بیاید؟، روش بریدن و چسباندن، روش طولی، روش تخت یا افقی، روش مرتب‌کردن با کارت‌های فیش، روش شماره‌گذاری دقیق صفحات، دسته‌بندی مطالب زیرعنوان فصل‌ها، چگونه بفهمیم هر مطلبی را کجا قرار دهیم؟

فصل ۱۷: نوشتن پیش‌نویس

ملزومات این بخش مواردی است که بدان‌ها اشاره می‌شود: چه موقعی نوشتن را شروع کنیم؟، چگونه متن‌تان را شروع کنید، درس‌های مقدماتی برای زندگی‌نامه‌نویس‌ها، پیروی از الگوها؛ همه ما نمایشنامه‌نویس هستیم، استفاده از گفتگو در زندگی‌نامه، تعریف زندگی‌نامه: اول شخص یا سوم شخص، مسابقه معلومات عمومی: چه چیزهایی در اثر گنجانده و چه چیزهایی حذف می‌شود، ویرایش نهایی متن بعد از بازخوانی شخصیت، زندگی‌نامه.

فصل ۱۲: سؤال‌های دوران نوجوانی تا بلوغ:

سؤال‌هایی درباره دوران دبستان؛ قابل توجه مصاحبه‌کننده؛ سؤال‌هایی درباره سال‌های دبیرستان؛ سؤال‌هایی درباره دوران جوانی.

فصل ۱۳: شغل، خواستگاری، ازدواج و تشکیل خانواده

در این بخش این سؤال‌ها باید پرسیده شود:

سؤال‌هایی درباره دوران میانسالی؛ سؤال‌هایی درباره سال‌های پس از دانشگاه؛ سؤال‌هایی درباره دوران خواستگاری؛ سؤال‌هایی درباره دوران ازدواج و خانه‌داری؛ سؤال‌هایی درباره فرزندان؛ سؤال‌هایی درباره مسائل اقتصادی خانواده؛ سؤال‌هایی مربوط به فعالیت‌ها؛ سؤال‌هایی درباره دوران جنگ؛ سؤال‌هایی درباره دوران مدرسه فرزندان خانواده؛ سؤال‌هایی درباره دوران کمال.

فصل ۱۴: سال‌های بازنشستگی

در این فصل به این سؤال‌ها باید پاسخ داده شود: بازنشستگی؛ فلسفه یک عمر زندگی؛ سؤال‌های مربوط به دوران بازنشستگی؛ تعداد و تنوع سؤال‌ها.

فصل ۱۵: درباره ابزار مصاحبه

اسباب نزول و نقش آن در تفسیر قرآن

دکتر پیروزفر در ابتدا می‌نویسد: «این نوشتار به بحث درباره یکی از مباحث علوم قرآنی، با عنوان «اسباب نزول و نقش آن در تفسیر قرآن» پرداخته که به دلیل حضور چشم‌گیری که این علم در میان تفاسیر و کتب علوم قرآنی از دیرباز داشته و دارد و به دلیل این که یکی از مقدمات ضروری و مسائل مهم مرتبط با تفسیر به شمار می‌آید، اهتمام به آن اهمیت دارد».

وی ابتدا به معنای اسباب نزول و کاربرد آن توسط قرآن پژوهان پرداخته و پس از آن به تعریف پیشینیان اشاره کرده و با نمونه‌هایی که ارائه کرده، به توسعه در معنا و کاربرد این اصطلاح توسط آنان رسیده است. به باور نویسنده، تعبیر «نزول فی...» و تعابیر مشابه آن در روایات، باعث شده که مفسرانی مانند طبری در تفسیر خود و واحدی و دیگران در به‌کارگیری اسباب نزول، نسبت به متأخران تفاوت‌هایی داشته باشند. اندیشه‌وران متأخر در تعریف اسباب نزول دو شرط را لحاظ کرده‌اند.

کتاب اسباب نزول و نقش آن در تفسیر قرآن، یکی از آثار در خور توجه در حوزه تفسیر و علوم قرآنی و حدیث است. این اثر رساله دکترای خانم دکتر پیروزفر به راهنمایی استاد محمد علی مهدوی راد در دانشگاه تربیت مدرس تهران است.

کتاب با مقدمه علمی استاد مهدوی راد، آغاز می‌شود.

از جمله در مقدمه آمده است:

«کسانی که با متن در ارتباط هستند و در پی جستجوی فهم دقیق متن، تلاش می‌کنند، می‌دانند که از جمله مقدمات مهم دستیابی به «جهت بیانی»، متکلم است و بدون اطمینان از جهت‌گیری پدیدآورنده متن، تکیه بدان دست‌کم نارواست. اسباب نزول، در اینکه بیشترین نقش را در برنمودن جهت بیانی سؤال‌ها بازی می‌کند، تردیدی نیست. افزون بر این زدودن ابهام از چهره متن، روشن‌گری درباره مصداق‌های سخن است».

۱. همزمانی رویداد با نزول آیه

۲. تأخر نزول از واقعه

اما پیشینیان بدون توجه به این دو شرط، هرآنچه نزول آیه یا آیات در چارچوب آن قرار گرفته است، اعم از تاریخ امت‌های پیشین، عادات و رسوم گذشتگان و مردم عصر نزول و حوادثی که پس از نزول آیه یا در پی تحقق فرمان آیه، روی داده است، ذیل روایات اسباب نزول آورده‌اند.

در جای دیگر در باره تأثیر گرایش‌های فکری بر نگارش اسباب نزول می‌نویسد:

«قرآن پژوهان به گستردگی درباره‌ی فواید این علم در تبیین آیات الهی سخن گفته‌اند، در این میان برخی با جمع‌آوری روایات اسباب نزول از بررسی نقادانه آن پرهیز کرده‌اند، گرچه در گزینش و انتخاب آثار، اجتهاد کرده‌اند و نمی‌توان تأثیر گرایش‌های فکری و مذهبی را در نقل روایات، نادیده گرفت. به عنوان مثال طبری که بیشتر روایات اسباب نزول را گرد آورده است، برای سوره هل آتی، سبب نزولی نیاورده است در حالی که مطابق روایات سبب نزول که واحدی، سیوطی، فخر رازی، بغوی، زمخشری و بسیاری دیگر از مفسران گزارش کرده‌اند، آیاتی از این سوره درباره‌ی علی (ص) و فاطمه زهرا (س) نازل شده است.»

نویسنده در مقدمه کتاب اشاره می‌کند:

«قرآن کریم به شکل جزء جزء و تدریجی در بیست و اندی سال بر نبی اکرم (ص) و برای عموم مردم در تمامی اعصار و به سبب هدایت به صراط مستقیم، نازل شده است. بعضی از آیات به سببی خاص و پس از حادثه، رویداد و یا سؤالی که در آن زمان پیش آمده، نازل گردید و بسیاری دیگر از آیات ابتدائاً و بدون سبب خاص نازل شده‌اند. در آن دسته از آیات که درباره‌ی اشخاص، حوادث و رخدادهایی معین، زمان و مکانی خاص نازل شده است، محققان معتقدند، دسترسی به معنای واقعی و چه بسا در مواردی فهم ظاهری آیات، نیازمند آشنایی با فضای نزول است.»

و در ادامه نویسنده می‌افزاید: «اسباب نزول در این دسته از آیات به مفسر، امکان بازگشایی گره‌های تفسیری و ابهامات مفهومی را می‌بخشد و راه برداشت صحیح را هموار می‌سازد، چرا که زبان عربی که برای وحی و تشریح انتخاب شده، مانند دیگر زبان‌ها خود را به معنای حقیقی واژگان و عبارات محدود نکرده، بلکه با استفاده از مفاهیم مجازی، استعاره و تشبیه دایره‌ی معنایی خود را گسترش داده است.»

نویسنده بر این موضوع تأکید کرده است که:

«مفسران و قرآن پژوهان به «اسباب نزول» و جایگاه آن در فهم قرآن توجه داشته‌اند، گرچه در این نگرش و در حد و حدود آن یک داستان

نبوده‌اند. بسیاری از قرآن پژوهان، چگونگی نقش‌آفرینی اسباب نزول در فهم قرآن را، جزئی و ذیل فوایدی گزارش کرده‌اند. از این میان فایده‌ی کمک به فهم آیات و رفع ابهام از آن یکی از مهم‌ترین فواید است. آنان معتقدند از راه اسباب نزول می‌توان بر معنا و مقصود آیات و سوره، دست یافت. شأن نزول آیات، فضای اندیشیدن درباره‌ی آیه را روشن‌تر و به درک بهتر آیه کمک می‌کند و از این رو بحث از اسباب نزول، بحثی سودمند است.

دکتر پیروزفر در فصل سوم کتاب به دیدگاه‌های دانشمندان درباره‌ی اسباب نزول اشاره می‌کند و می‌نویسد:

«بسیاری از بزرگان بر اندک بودن روایات صحیح در این حوزه و لزوم توجه به سند و متن آن تأکید کرده‌اند. دانشمندان فقه، لغت، تاریخ، تفسیر و حدیث به این نوع روایات توجه نشان داده‌اند. آثار و اخبار اسباب نزول را می‌توان در کتب تفسیر، تاریخ، سیره و تاریخ غزوه‌ها و حدیث به شکلی چشم‌گیر یافت.»

بحث اسباب نزول و جایگاه آن در کلام جدید اسلامی نیز راه یافته است و در آن از پیوند آموزه‌های قرآن با آگاهی از عادات و رسوم و فرهنگ مردمان عصر نزول، بحث می‌کنند. برخی از نقش محیط در شکل‌گیری نص، سخن می‌گویند و بر این باورند که اگر قرآن در مکانی دیگر نازل می‌شد، دیگر در استدلال‌ها و تفهیم مطالب، مثلاً از شتر که از حیوانات آشنا و معمول آن منطقه است، بهره نمی‌گرفت و برخی دیگر پارا فراتر نهاده، معتقدند: احکام اجتماعی و سیاسی اسلام، برآمده از فرهنگ اجتماعی - سیاسی عصر نزول است که باید در گذر به عصر توسعه و تحولات بنیادین نهادها، به طور کلی مورد تجدید نظر قرار گیرد و به محدود کردن بهره‌گیری از آن قائل شده‌اند. بسیاری دیگر معتقدند قرآن در دعوت خود، شرایط اجتماعی و چگونگی‌های سیاسی و اجتماعی را مراعات می‌کند تا در ابلاغ حق و گسترش پیام از آن بهره‌گیرند.

عده‌ای دیگر از دانشمندان با نگاهی متفاوت به اسباب نزول، از پیوند آموزه‌های قرآنی با آگاهی‌های مردمان عصر نزول و نقش محیط و تأثیر آن در نزول آیات الهی سخن گفته‌اند. در نگاه کلی در این باره می‌توان به دو اندیشه‌ی متفاوت دست یافت: اندیشه‌ای که به تأثیر و تأثر قرآن از فرهنگ و خانواده و فضای حاکم در عصر نزول و به معنای انعکاس این مجموعه، به صورت عامل هویت‌ساز در دعوت معتقد است و اندیشه‌ای که معتقد است قرآن در دعوت خود، شرایط اجتماعی و چگونگی‌های سیاسی را مراعات می‌کند تا در ابلاغ حق و گسترش پیام از آن بهره‌گیرد. به اعتقاد ما، آموزه‌های وحیانی گرچه واقع‌گراست؛ اما با واقع جاری برخورد کرده و آن را در قالبی شایسته برای عرضه اهداف و الایش به کار گرفته است. هدف‌گیری آموزه‌های وحیانی از ملابسات زمان و مکان و حادثه یا واقعه‌ای که زمینه‌های

نزول آیات را فراهم کرده‌اند، پیراسته است.

برخی دیگر از دانشمندان بیشتر به آسیب‌شناسی مراجعه به اسباب نزول توجه کرده و با نگاهی انتقادی، بسیاری از روایات اسباب نزول را به علت عدم مطابقت با لحن و سیاق آیات رد کرده‌اند و معتقدند تدبیر در آیات الهی، مفسر را از مراجعه به اسباب نزول بی‌نیاز می‌کند و در مواردی هم سبب نزول باعث تزییق معنا شده است.

فصل چهارم این کتاب با نگاهی به بعضی از فواید شناخت اسباب نزول که توسط دانشمندان مطرح شده، نقش آن را در تفسیر آیات الهی و چگونگی ایفای این نقش در بازیافت مفاهیم آیات و دلالت آن بر مراد خداوند به بحث گذاشته است و با ارائه نمونه‌هایی، بعضی از فواید را قابل مناقشه دانسته و درباره بعضی از نمونه‌ها، آراء دانشمندان شیعه و اهل سنت را ارزیابی کرده است. همچنین در این فصل از چگونگی برخورد مفسران با سبب نزول آیات سخن گفته است.

در فصل پنجم با تبیین بیان بودن و جاودانگی قرآن، به این سؤال که فضای نزول و روایات اسباب نزول که رنگ زمان و مکان به آیه می‌زند و آن را محدود به حادثه و یا حادثی می‌کند که در آن زمان رخ داده، چگونه با ادعای جاودانگی قرآن، سازگار است؟ پاسخ داده است.

نویسنده در فصل ششم به مباحث مرتبط با روایات اسباب نزول و حکم آن پرداخته است. در این فصل پس از بررسی راه‌های آگاهی و دستیابی به اسباب نزول و تعابیر گویای آن، با تأمل در سخنان بزرگان این فن، نشان داده است از نظر جمله‌گی ایشان، تنها راه شناخت اسباب نزول، مراجعه به روایت از طریق نقل است و مهم‌ترین منبع در این باره صحابه و سپس تابعیان هستند. به اعتقاد ایشان اجتهاد در سبب نزول راهی ندارد؛ اما برخی دیگر از دانشمندان به اجتهاد راویان در تطبیق حوادث و وقایع با آیات الهی اشاره کرده و بسیاری از روایات اسباب نزول را اجتهاد راویان دانسته‌اند و معتقدند باید با دقت و تأمل بیشتری به تعیین و تشخیص موارد آن پرداخت.

نویسنده همچنین در بخش دیگری با اشاره به قاعده اصولی «العبره بعموم اللفظ لا بخصوص السبب» می‌نویسد:

«بسیاری از دانشمندان معتقدند: روایات اسباب نزول موجب تخصیص آیه شریف به همان مورد و عدم تسری مفهوم آن در دیگر موارد نمی‌شود. قاعده «العبره بعموم اللفظ لا بخصوص السبب»، در بسیاری از کتاب‌های تفسیری، اصولی و علوم قرآنی به مناسبت بحث از اسباب نزول مطرح شده است. این قاعده در استنباط احکام از قرآن کریم، بسیار کارآمد است و در تفاسیر، هنگام بحث از مصادیق مختلف آیات مطرح می‌شود. البته این اصل مخالفانی دارد و برخی نیز قائل به تفصیل شده‌اند؛ به این معنا که در مواردی وجود

قرائن محکمی باعث می‌شود که از لفظ عام آیه دست برداشت و به خصوصیت سبب توجه کرد».

نویسنده درباره فایده اسباب نزول در تفسیر می‌نویسد: اعتقاد به تأثیر اسباب نزول در تفسیر آیات، به معنای مسدود ساختن راه اندیشه و تفکر در زمینه آن آیات و روی آوری و سطحی‌نگری و محدوداندیشی نسبت به پیام آن نیست، بلکه در کنار بهره‌بردن از تمامی ابزارهای علمی و عقلی موجود در زمینه تفسیر، باید به اسباب نزول به عنوان ابزاری کارآمد و مؤثر نگریست.

نویسنده در پاسخ به این سؤال که «بیان و مبین بودن قرآن با نیاز فهم قرآن به شناخت قراین حالیه و اسباب نزول آیات از طریق اخبار و روایات، چگونه سازگار است؟ می‌نویسد:

«بحث در این باره از دیرباز مورد توجه مفسران بوده است. گرچه بیان و مبین بودن قرآن به معنای روشنگری آن است؛ اما این روشنگری گاه از طریق آیات قرآن است؛ به عنوان مثال خداوند متعال در آیه ۶۷ سوره بقره فرمود: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُذْبِحُوا بُقَرَةً» و در آیه ۶۹ در بیان بقره فرمود: «إِنَّهَا بُقَرَةٌ صَفْرَاءُ فَاقِعٌ لَوْنُهَا»، و نمونه‌های بسیار دیگر و گاه روشنگری توسط پیامبر اکرم (ص) است که افزون بر ابلاغ رسالت و دعوت الهی، باید آنچه را از خداوند دریافت می‌کند، تبیین نماید. قرآن کریم این جایگاه پیامبر (ص) را ترسیم کرده است:

﴿وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ﴾. (نحل: ۴۴ و بقره: ۱۵۱)

مفاد این آیات آن است که در مسیر شناخت معانی قرآن، همان طور که استمداد از قرائن درونی قرآن، امری ضروری است، بهره‌گیری از بیان پیامبر اکرم (ص) نیز که کانون وحی است، اجتناب‌ناپذیر است؛ به عنوان مثال پیامبر اکرم (ص) فرمود: «صَلُّوا كَمَا رَأَيْتُمُونِي أَنْ أَسَلِّيَ» و این بیان آیه «أَقِيمُوا الصَّلَاةَ» است. نیز درباره حج «وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ...» که حضرت (ص) فرمود: «خَذُوا عَنِّي مَنَاسِكَكُمْ...»

بنابراین وقتی گفته می‌شود قرآن مبین است، نه بدان معناست که حاوی تمام تفاسیل و فروع و جزئیات مطالب خود باشد یا بدیهی و خالی از هرگونه پیچیدگی و عمق و دقت، بلکه بدان معناست که از



است؛ چون اگر حکم روی افراد خارجی باشد، به مجرد تغییر آن فرد، حکم هم باید عوض شود؛ بنابراین حکم را روی حیثیات و عناوین کلی می‌برد.

بنابراین آیاتی که در جهت حل مشکلات و تبیین واقعیات زمان خود نازل شده است، در عین حال عمومیت داشته و متکفل حل مشکلات مسلمانان در گسترهٔ زمان است. قرآن کریم کتاب عمل و رفتار و برنامهٔ زندگی این جهانی و سعادت و کمال اخروی است و روش تعلیم و نزول آیاتش، به گونه‌ای است که همراه با شرایط خاص و در ضمن نیازها و ورخداهای ملموس شکل گرفته است و این باعث شده تا پیام و محتوای معرفتی آن همراه با تصویری اجمالی از رویدادها و وقایع در ذهن نقش ببندد و سپس به هنگام نیاز و کاربرد ذهن، با مراجعه به فراگرفته‌ها و در جریان فرایندی مستمر به استنباط و اجتهاد بپردازد. دلالت الفاظ و آیات الهی از مرتبهٔ حوادث جزئی و خاص فراتر می‌رود و مفسر از طریق القای قطعی خصوصیات زمان و مکان یا از طریق تناسب حکم و موضوع و تحلیل زبانی به روح آیه می‌رساند که پیراسته از زمان و مکان است.

ابهام و پیچیدگی غیرقابل حلی برخوردار نیست و در ابراز مقاصد خود گویا و رساست. ابهام و غموض لغوی آن در پرتو آگاهی از لغت عرب و قواعد آن قابل حل است و غموض و پیچیدگی معنایی و تفسیری آن نیز با ژرف‌نگری در شواهد قرآنی آشنایی با فرهنگ و فضای نزول و در پرتو روایات صحیح حل می‌شود.

نویسنده ضمن مطرح کردن این اشکال که روایات اسباب نزول که رنگ زمان و مکان به آیه می‌دهد، با ادعای جاودانگی قرآن در چالش است، به تفصیل به موضوع جاودانگی قرآن پرداخته در پاسخ به این مسئله می‌نویسد:

«وضع احکام و جملات قرآنی در قالب قضایایی بیان شده است که ثابت و ابدی است و تحت شرایط متفاوت و در زمان‌های مختلف تغییر نمی‌کند یا تاریخ مصرفشان نمی‌گذرد. عالمان اصولی می‌گویند: وضع احکام و قوانین اسلامی از نوع «قضایای حقیقیه» در منطق است، نه از نوع «قضایای خارجی»؛ به این معنا که شارع حکم روی طبیعت اشیاء برده است، نه این‌که شارع افراد خارجی را دیده و حکم را روی همان افراد خارجی قرار داده باشد. در این صورت مشکل حل

چه کسی از طرف اسلام سخن می‌گوید:

یک میلیارد مسلمان واقعاً چگونه فکر می‌کنند

معرفی اجمالی

چه کسی از طرف اسلام سخن می‌گوید: یک میلیارد مسلمان واقعاً چگونه فکر می‌کنند؛

جان ال. اسپوزیتو و دالیا مجاهد؛ ترجمهٔ سهیلا ناصری؛ تهران: هرمس، ۱۳۹۰. هشت + ۱۸۲ ص.

محسن اسلامی

۲۰۰۱ است و حاصل ده‌هزار مصاحبه با مسلمانان در بیش از سی و پنج کشور است. نویسندگان به جای بررسی نظر «کارشناسان» یا «افراط‌گرایان»، به مطالعهٔ یک میلیارد مسلمان پرداخته‌اند و معتقدند که «در مجموع، ما از یک نمونه که نمایندهٔ بیش از نود درصد از یک میلیارد و سیصد میلیون مسلمان جهان بود، این ارزیابی را به عمل آوردیم و این بزرگ‌ترین و جامع‌ترین مطالعه‌ای است که دربارهٔ مسلمانان عصر حاضر انجام گرفته است.» (ص ۳)

کتاب پنج فصل دارد. هر فصل با توجه به آمارهای برآمده حاصل از تحقیقات مؤسسه گالوپ یا استفاده از مصاحبه‌های انجام شده با افراد مسلمان نوشته شده است. در پایان فصل‌های اول تا چهارم، «نکات مهم» در یک صفحه آمده است.

فصل اول به این سؤال می‌پردازد که «مسلمانان چه کسانی هستند؟».

نویسندگان این کتاب، واقعیتِ بالفعل «مسلمانان» و «باورهای» آنها را هدف گرفته‌اند و سعی دارند با تحقیق میدانی و از طریق پرسش‌نامه به نتایجی واقع‌نما برسند.

امروزه «اقلیت» افراطی و تندرویی هستند که به نام اسلام در کشورهای مختلف ایجاد رعب و وحشت می‌کنند، ولی همهٔ مردم دنیا خبر ندارند که چنین جریان‌هایی «اقلیت» هستند. در نتیجه «۴۴ درصد آمریکایی‌ها معتقدند، مسلمان‌ها در عقاید مذهبی خود بیش از حد افراطی هستند. تقریباً یک چهارم آمریکایی‌ها (۲۲ درصد)، اظهار می‌دارند که مایل نیستند، همسایه‌شان مسلمان باشد...» (ص ۲)؛ اما پرسش این است: بیشتر مسلمان‌ها چگونه فکر می‌کنند؟ این کتاب نتیجهٔ تحقیقات مؤسسه گالوپ در سال‌های ۲۰۰۷ -

۱. همهٔ تأکیدها در نقل قول‌ها از خود کتاب است.

(ص ۶۵) چه چیز باعث این وضع شده است؟ نویسندگان در این بحث بیشتر به القاعده و گروه‌های مشابه تروریستی نظر دارند. آنها می‌کشند رابطه جریان‌هایی را با عناصری مثل فقر یا بی‌سوادی بررسی کنند. برای مثال می‌گویند: «افراطی‌گرایان سیاسی به طور میانگین تحصیل کرده‌تر از میانه‌روها هستند: ۶۷ درصد افراط‌گرایان سیاسی، تحصیلات متوسطه یا عالی دارند (در مقابل ۵۲ درصد از میانه‌روها)». (ص ۶۹)، همچنین، «افراط‌گرایان از نظر اقتصادی وضعیت نامساعدتری ندارند و احتمال بیشتری وجود دارد که درآمد متوسط یا بالاتر از متوسط داشته باشند: ۶۵ درصد از افراط‌گرایان سیاسی در مقابل ۵۵ درصد از میانه‌روها می‌گویند که درآمد متوسط یا بالاتر از متوسط دارند». (ص ۶۹)

پس این تصور که این جریان‌ها از بی‌سوادی یا فقر ناشی شده‌اند، مقبول نیست. طبق آمار نویسندگان، تندروها از نظر شغلی و امید نیز وضع نسبتاً بهتری به نسبت میانه‌روها دارند. ادامه فصل، صرف بحث از رابطه دین و تروریسم، اسلام و جهاد، دین و حمله انتحاری، تصویر مسلمانان از غیرمسلمانان، محرک‌های اصلی تندروی و دیگر موضوعات مربوط به تندروها می‌شود. نکته سوم از «نکات مهم»

این فصل می‌گوید: «آنچه

تندروهای سیاسی را از دیگران متمایز می‌سازد برداشتشان از سیاست غرب است و نه فرهنگ غرب». (ص ۹۵)

موضوع فصل چهارم حقوق زنان است، با این عنوان: «زنان چه می‌خواهند؟».

ظاهراً خیلی از غربی‌ها فکر می‌کنند که به زنان مسلمان به قدری ظلم می‌شود که حتی خودشان هم نمی‌دانند تا چه حد مظلوم واقع می‌شوند؛ اما این تصور درست نیست. «به

عنوان مثال در عربستان سعودی که تا زمان نوشتن این کتاب، اجازه رأی دادن یا رانندگی ندارند، اکثر زنان می‌گویند: باید بتوانند رانندگی کنند (۶۱ درصد)، بدون اعمال نفوذ دیگران رأی بدهند (۶۹ درصد) و هر شغلی را که حائز شرایط کسب آن هستند، انتخاب کنند (۷۶ درصد)». (ص ۹۹) اما آیا زنان مسلمان می‌خواهند که غرب آنها را آزاد کند؟ محققان به این نتیجه رسیده‌اند که «با اینکه آنها بسیاری چیزها را در غرب تحسین می‌کنند، اکثرشان تمایل ندارند شبیه هم‌تایان غربی خود شوند و با وجود اینکه خواهان برابری جنسیتی

در این فصل از اعتقادات کلی، وضع جغرافیایی، گرایش‌ها و جریان‌های مسلمانان سخن می‌رود. نویسندگان می‌کشند دورنمایی از وضع مسلمانان در سطح دنیا پیش نهند که این تصویر شامل نوع پوشش مردان و زنان نیز می‌شود. درباره پراکندگی جغرافیایی مسلمانان گفته می‌شود که بیشتر مسلمانان عرب نیستند و از هر پنج مسلمان فقط یک نفر عرب است. درباره مذاهب مختلف گفته می‌شود که از ۱/۳ میلیاردها مسلمان که در ۵۷ کشور جهان زندگی می‌کنند، ۸۵٪ سنی هستند و ۱۵٪ شیعه. «اسلام شیعی باعث گوناگونی بیشتر پیروان اسلام شد و به سه بخش اصلی تقسیم شد: زیدی‌ها، اسماعیلی‌ها که رهبر امروز آنها آقاخان است و در هاروارد تحصیل کرده و اثنی‌عشری که در ایران و عراق اکثریت هستند». (ص ۸)

در بخش ایمان و اعتقادات، نماز و روزه و زکات و حج توصیف می‌شوند.

فصل دوم به «مردم‌سالاری یا حکومت دینی» می‌پردازد. نویسنده با بیان شواهدی نشان می‌دهد که بسیاری از مردم و حتی متخصصان و مسئولان غربی از رابطه اسلام و مردم‌سالاری، تلقی نادرستی دارند؛ (یعنی این دورا به هیچ وجه قابل جمع یا مربوط نمی‌دانند. این تلقی تا حدی به دلیل وضع سیاسی و اجتماعی کشورهای مسلمان شکل گرفته است؛ اما آمارها نشان می‌دهند که «اکثر افراد در کشورهایی که نظرسنجی در آنها صورت گرفت، می‌گویند که اسلام و مردم‌سالاری، به عنوان اموری اساسی در بهبود کیفیت زندگی آنها و پیشرفت آینده جهان اسلام از اهمیت یکسانی برخوردارند». (۳۷) باید پرسید که چرا نگرش غربی‌ها چنین متفاوت از واقعیت باورهای مسلمانان است؟ شاید به دلیل نمونه‌هایی از این دست: «در سال ۲۰۰۲، زمانی که یک زن سی‌ساله نیجریایی [...] به سنگسار محکوم شد، توجه جهان به نیجریه معطوف شد. در واکنش به حامگلی وی که ناشی از رابطه نامشروع بود، دادگاه اسلامی او را مجرم شناخت و به سنگسار محکوم کرد. در صورتی که مردی که با وی رابطه نامشروع داشت به دلیل نبود چهار شاهد آزاد شد. در حالی که این‌گونه موارد در غرب برای معرفی شریعت به کار گرفته می‌شود، بسیاری از مسلمانان عقیده دارند که این موارد بازتاب خروج از روح حقیقی شریعت است». (ص ۳۹) در ادامه فصل، وضع مردم‌سالاری در جوامع مختلف مسلمان بررسی می‌شود. از چهار نکته مهمی که در پایان فصل تکرار می‌شوند، نکته دوم این است: «به طور کلی مسلمان‌ها بین ارزش‌های دموکراتیک و اصول مذهبی تناقضی نمی‌بینند». (ص ۶۳)

فصل سوم در پی پاسخ به این سؤال است که «چه چیزی باعث به وجود آمدن تندروها می‌شود؟». امروزه «همان‌طور که اسلام‌هراسی در اروپا و آمریکا به شدت افزایش یافته است، احساسات ضدآمریکایی نیز در جهان عرب و جهان اسلام هنوز در حال گسترش است.»



ترجمه کتاب در مجموع روان است و به راحتی خوانده می‌شود. مترجم در یادداشت مختصر خود در آغاز کتاب می‌گوید: «شایان ذکر است که این کتاب بر اساس تحلیل‌های نویسندگان غربی تنظیم شده است. بنابراین برداشت آنها از پاسخهای ارائه شده مسلمانان ممکن است با واقعیات جهان اسلام منطبق نباشد. برای اساس، بخش‌هایی از کتاب که واقعیات را مد نظر قرار نداده، به روشهای مقتضی مورد تلخیص قرار گرفته است.» (ص ۹)

اما این کتاب چقدر برای مخاطب مسلمان مفید است؟ نویسندگان در مقدمه به چند نتیجه «شگفت‌انگیز» که در جریان تحقیق، به آن دست یافته‌اند، اشاره می‌کنند، از جمله اینکه «زمانی که از مسلمان‌ها خواسته می‌شود آرزوهای خود را برای آینده بیان کنند، آنها هیچ اشاره‌ای به جنگ در قالب جهاد نمی‌کنند بلکه در آرزوی دستیابی به شغلی بهتر هستند.» (ص ۳) طبعاً شگفت‌زدگی نویسندگان و این سخن آنها می‌تواند برای خواننده مسلمان شگفت‌انگیز باشد. کتاب در درجه اول برای مخاطب غربی نوشته شده است، از این رو زیاد پیش می‌آید که نویسندگان «ما» را در مقابل «آنها» یا «مسلمانان» قرار می‌دهند. مواردی از این دست نشان می‌دهند که در درجه اول مسلمانان مخاطب این کتاب نیستند. با این همه، کتاب از چند جهت قابل استفاده است: ۱. سبک و سیاق تحقیق قابل توجه است. شاید بتوان با بررسی این سبک پژوهش و با رفع نقایص آن، پژوهش‌های موثق‌تری را به انجام رساند. ۲. اطلاعاتی که درباره کشورهای مختلف مسلمان، مثل ترکیه، مالزی و عربستان قابل استفاده است. از این آمارها در تحلیل‌های مختلف می‌توان استفاده کرد. ۳. آمارها و اطلاعاتی که درباره دیدگاه غربی‌ها درباره مسلمانان ارائه شده است، قابل استفاده است. برای عالمان مسلمان مهم است که بدانند برای مثال، چه درصدی از آمریکایی‌ها درباره اسلام چگونه فکر می‌کنند؟ ۴. پیشفرض‌ها و نوع نگاه نویسندگان قابل تأمل است. نویسندگان کوشیده‌اند ساده‌ترین اطلاعات را نیز از تحقیق میدانی استخراج کنند؛ اما جالب است که بینیم عملاً، از کجا تحقیق خود را آغاز می‌کنند و سوالاتشان بر اساس چه پیشفرض‌هایی است و با توجه به آنها می‌توان به رفع سوءتفاهم‌ها اقدام کرد.

هستند، احتمالاً آن را بر اساس اصول و در چارچوب مفاهیم فرهنگی خود می‌خواهند.» (ص ۱۰۴). خلاصه آنکه عمدتاً زنان و مردان مسلمان حقوق زنان را متناسب با دین خود به رسمیت می‌شناسند و اگر مانع مشکلی دارند، آن را به گردن اسلام نمی‌اندازند. نکته‌ای از «نکات مهم» را می‌خوانیم: «به حمایت غرب از مسائل زنان، اغلب با بدبینی نگریسته می‌شود؛ زیرا از فمینیسم در طول تاریخ برای توجیه استعمارگری استفاده می‌شده است.» (ص ۱۲۹)

در فصل پنجم با عنوان «برخورد یا همزیستی؟»، به وضع اسلام و مسلمانان بعد از حمله‌های یازدهم سپتامبر نظر می‌شود. از آن حمله‌ها به این سو، مسلمانان و اسلام مورد اتهامات بی‌پایه‌ای قرار گرفته‌اند که نویسندگان برخی از آنها را به عنوان «افسانه» نقل کرده و خطای آنها را توضیح داده‌اند. در بخش دوم این فصل از موضوعاتی درباره اسلام و غرب و روابط آنها بحث می‌شود. این فصل به نوعی برآیند فصل‌های قبل است؛ یعنی خواننده غربی در چهار فصل قبل تصویری از اسلام به دست آورده و در این فصل می‌خواهد تکلیف خود را با آن روشن کند. این فصل به این شکل خاتمه می‌یابد: «در خاتمه باید گفت درگیری اخیر بین غرب و جهان اسلام، اجتناب‌ناپذیر نیست. این درگیری درباره سیاست است و نه برخورد میان اصول... امروزه کمتر از یک نسل پس از مبارزات حقوق مدنی، اکثر سیاهپوستان و سفیدپوستان آمریکایی می‌گویند روابط میان آنها خوب است. این نمونه‌های امیدوارکننده تأییدی است بر امکان بهبود روابط میان گروه‌ها، حتی گروه‌هایی که تعارض‌هایشان قرن‌ها ادامه داشته است و نیز بر سرعت نسبی این امکان بهبود، در صورتی که درک بهتری از علل اصلی این تعارض‌ها وجود داشته باشد.» (ص ۱۵۹)

پیوست ده صفحه‌ای کتاب نکاتی درباره پروژه جهانی نظرسنجی گالوپ است. پروژه‌ای که این کتاب (نظرسنجی درباره اسلام و از مسلمانان) بخشی از آن است. در این قسمت نکاتی درباره شیوه‌های نظرسنجی و بعضی یافته‌های کلی گفته می‌شود.

* * *

تاریخ و جغرافیای ایران در سفرنامه‌ها و رسائل اعتماد السلطنه

معرفی اجمالی

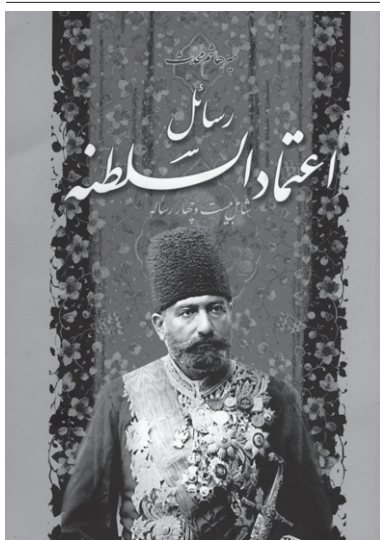
رسائل اعتماد السلطنه؛ محمد حسن خان اعتماد السلطنه؛ تصحیح: میرهاشم محدث؛ تهران: انتشارات اطلاعات، چاپ اول: شهریور ۱۳۹۱ ش.

عباسعلی مردی

دستور ناصرالدین شاه به وجود آمد، اما پس از پیروزی انقلاب، درش برای همیشه بسته شد و حتی پژوهشگرانی چون خود وی که آثار اعتماد السلطنه را تصحیح می‌کنند به آثار وی که در آنجا حبس شده، دسترسی ندارند.

بسیاری از رساله‌های اعتماد السلطنه در زمان مدیریت وی بر روزنامه ایران بین سال‌های ۱۲۹۳ تا ۱۳۱۳ ق منتشر شده است؛ اما همچنان که می‌دانیم امروز این روزنامه در دسترس بسیاری از اهالی دانش نیست. افزون بر آنها برخی از رساله‌های اعتماد السلطنه چاپ نشده و به صورت خطی در کتابخانه‌هاست. جناب میرهاشم محدث با تلاشی در خور، ترکیبی از رساله‌های چاپ شده در روزنامه ایران که در حکم خطی به شمار می‌روند، و رساله‌های خطی را در مجموعه‌ای با عنوان رسائل اعتماد السلطنه به صورتی زیبا و خوشخوان چاپ کرده‌اند. موضوع رسائل کتاب را می‌توان به چندین بخش تقسیم کرد:

الف) سیزده رساله، شرح جغرافیای مناطق حاشیه رشته‌کوه البرز و یا اطراف تهران است که عبارتند از: (اعداد قبل از نام رساله‌ها، شماره‌های رسائل در کتاب است).



۱. جغرافیای نور سفرنامه با موبک سلطانی است. آغاز آن ده شعبان ۱۲۹۹ بوده است. از جشن نیمه شعبان چنین یاد می‌کند: «روز یکشنبه پانزدهم شهر شعبان چون به اتفاق اکثر علما روز ولادت با سعادت حضرت امام الانس والجان و خلیفه الرحمان، صاحب العصر والزمان (عجل الله تعالی فرجه) بود در اردوی همایون به لوازم و شرایط

رسائل اعتماد السلطنه؛ محمد حسن خان اعتماد السلطنه؛ تصحیح: میرهاشم محدث؛ تهران: انتشارات اطلاعات، چاپ اول: شهریور ۱۳۹۱ ش.

دوره قاجار از لحاظ نگارش کتب تاریخی و جغرافیایی یکی از دوره‌های شکوفای تاریخ ایران است و بی‌شک خدمات اعتماد السلطنه در این امر نقش بسزایی داشته است؛ چنان که مرآت البلدان او مهم‌ترین کتاب تاریخی جغرافیایی ایران بزرگ در عهد قاجار است.

اعتماد السلطنه توانست بیش از چهل جلد کتاب بنویسد و مشوق دیگرانی بشود که زیر نظرش آثاری خلق کنند، در کنار تحقیق و پژوهش سال‌ها مدیریت چندین روزنامه را بر عهده داشته که از جمله بهترین روزنامه‌های ایران بوده‌اند. وی کتاب‌هایی را بر اساس روش علمی جدید نوشت و طی آن به نتیجه تحقیقات تاریخی، باستان‌شناسی، سکه‌شناسی، علوم اجتماعی و مردم‌شناسی توجه نشان داد.

درباره اهمیت آثار او گفته شده:

«اولین تحولی که در تاریخ‌نویسی ما پیش آمد، نتیجه آشنایی ما با روش‌های فرنگی بود. یعنی از زمان ناصرالدین شاه، اعتماد السلطنه به سبب اینکه چند سال در خارج زندگی کرده بود و با روش‌های فرنگی و علوم جدید آشنا شده بود، شروع کرد به اینکه کتاب‌هایی را بر اساس روش علمی فرنگی بنویسد». (مرحوم دکتر عبدالحسین نوابی در گفتگو با فصلنامه تاریخ معاصر ایران، ش ۳، پاییز ۱۳۸۳)

به تازگی ۲۴ عنوان از رسائل وی را جناب میرهاشم محدث در مجموعه‌ای با عنوان رسائل اعتماد السلطنه تصحیح و منتشر کرده است. مقدمه این کتاب که به دکتر حسن انوری تقدیم شده، به شرح کوتاه و مختصری از زندگی و کارنامه اعتماد السلطنه، گذشته است، در مقدمه گلایه‌ای را نیز نسبت به بسته بودن دائمی درب کتابخانه بیوتات (کتابخانه فعلی وزارت امور اقتصاد و دارایی)، به روی محققان و پژوهشگران مطرح کرده است. کتابخانه‌ای که به

اصل و نژاد و وضع بلاد افغانستان...» است. این رساله ترجمه‌ای است از رساله عربیه موسوم به تتمه البیان.

ج) رساله های حقوقی و قوانین پیشنهادی

۱۷. رساله امیریه یا قواعد نظام در شش باب که هرکدام نیز فصول جداگانه‌ای دارد، درباره «کلیات ترتیبات وزارت جلیله جنگ» است. مصنف در این رساله تلاش دارد، قواعدی را تنظیم کند تا قوه نظامی کشور رشد کرده و قوی شود تا بتواند در سایه قوت شمشیر، اسباب امنیت را فراهم سازد که دولت بی قوت لشکری و زور اسلحه، صورتی بی جان یا مریضی ناتوان است.

۱۸. کلید استطاعت یا قانون اداره انحصاریه تنباکو و توتون و متفرعات آن که در نه فصل تدوین شده است. یکی از اهداف نویسنده در این نوشتار، تنظیم قوانینی برای رشد نقدینگی کشور بوده است. وی برای نمونه دو کشور یونان و رومانی را مثال می زند که توانسته‌اند با تنظیم دخل و خرج کشورشان را آباد کرده و نیروی نظامی قوی‌ای به وجود آورند. در ضمن آن به تاریخچه کشت و انتقال توتون به ایران و خواص درمانی آن اشاره و بررسی می‌کند. بعد از آن به وضع قوانینی درباره کشت، ممیزین، فروش، صادرات، وضعیت کارخانجات توتون و تنباکو و... پرداخته است. این رساله دارای تصویر نمونه قراردادهاست.

۲۰. قانون تسهیل ساختن طرق و شوارع. این رساله در چهار باب و هر کدام در چندین فصل تدوین شده است.

۲۱. تعیین حدود احترامات سفرا در ایران. نویسنده با اشاره به وجود شش سفارتخانه در تهران که به زودی هشت خواهد شد و عبور و مرور تجار و مقامات بلندپایه کشورهای دیگر از این مملکت، به بیان مواردی می‌پردازد که شایسته است رجال و شاهزادگان و دیگر مردم در برخورد با آنان شئون خود را حفظ کنند.

۲۳. کاداستره یا رساله علویه (تحدید حدود و اراضی و ممیزی برای اخذ مالیات). کاداستره واژه‌ای فرانسوی به معنای ممیزی املاک و اراضی و تخمین حاصل و تعداد نفوس آن است. این رساله با مقدمه‌ای در این باره به بیان قوانین مالیات در یازده باب می‌پردازد.

د) شرح حال ولتر

۲۴. عُصْنِ مُثْمِرٍ در ترجمه ولتر یا هدیه البریه فی الترفه الولتریه. این رساله شرح زندگی و آثار فرانسوا ولتر (۱۶۹۴ - ۱۷۷۸ م) از اعظم فضلا و رجال مملکت فرانسه است که در «اقالیم خمسه و اقطار عالم معروف و مشهور می‌باشد».

ه) معرفی تهران و شرح بیرق‌های حکومتی

۱۹. تغییر وضع دارالخلافه ناصری (در فاصله سالهای ۱۲۶۴ تا ۱۲۹۴ ق). این نوشتار با اشاره‌ای به تاریخچه بنای تهران، وضعیت آن روز

این جشن سعید قیام و اقدام نمودند و شب این عید لازم التمجید، آتشبازی کامل، جلوه و شکوهی کرده تا پاسی از شب ملتزمین رکاب اعلی به تماشای آتشبازی و استماع نغمات فرح بخش موزیکان مبتهج و مسرور بودند».

۲. جغرافیای قلعه نور به امر شاه تألیف کرده است.

۳. جغرافیای قدیم و جدید طالقان و تواریخ و حکایات متعلقه به آن و شرح حال رجال و منسوبین به این ناحیه.

۴. جغرافیای جاجرد به معرفی شکارگاه جاجرد و برشماری حیوانات درنده آنجا پرداخته است.

۵. مختصر جغرافیای نمارستاق (از خاک مازندران).

۶. راه کجور سفرنامه‌ای است در خدمت سلطان.

۷. کلاردشت معرفی این جلگه و بیان حدود جغرافیایی و شناسایی روستاهای این منطقه است.

۸. جغرافیا و تاریخ دره لارد در سفر بیلاقی شاه در ۱۲۹۰ ق نیلان نیل ترکی نوشته شده است. در بخشی از آن به معرفی ایلاتی که برای قشلاق به دره لار می‌آیند، پرداخته شده است.

۹. دوشان تپه معرفی دوشان تپه و عماراتی که در این تفرجگاه بنا شده است.

۱۱. تاریخ و جغرافیای ورامین (یا شکار مسیله). سفرنامه‌ای در خدمت سلطان است که برای شکار خارج شده بوده است.

۱۲. قلعه ایرج و رامین. به معرفی قلعه ایرج و توصیف بنای این قلعه پرداخته است.

۱۵. سفرنامه طالقان. تاریخ این سفر شوال ۱۳۰۱ ق است.

۱۶. شرح بعضی منازل و سفر سوادکوه. سفرنامه‌ای در خدمت سلطان است و مناطقی همچون اسک و علمای آنجا معرفی شده است.

ب) جغرافیای دیگر مناطق ایران

افزون بر آن سیزده رساله، سه رساله جغرافیایی دیگر که ارتباطی با جبال البرز ندارند، آمده است:

۱۰. قیراط الماس فی ترجمه سلماس، رساله‌ای است درباره تاریخ، جغرافیا و مشاهیر شهر سلماس در آذربایجان غربی. بانی این شهر سلماسار سیّم از پادشاهان بنی‌عاشور بوده است و به معرفی این شهر پرداخته و برخی از رجال آن شهر را می‌شناساند.

۱۳. احوال بلوک مال امیر (مالمیر)، شرح یکی از روستاهای مناطق بختیاری اصفهان است. یکی از کشاورزان به هنگام زراعت مجسمه انسانی پیدا می‌کند که مربوط به قرون گذشته بوده است؛ از همین رو اعتماد السلطنه مأمور می‌شود که در تاریخ این منطقه به کنکاش و بررسی پرداخته و آنجا را معرفی کند.

۱۴. تتمه البیان فی تاریخ الافغان، به قول مؤلف «مشمتمل بر مجملی از احوال سابقه و لاحق و عادات و اخلاق افغانه و طرز حکومت و

تهران را وصف کرده و کارخانجات و عمارات و باغات مهم و ... آن شهر را معرفی می‌کند.

۲۲. شرح بیرق‌های دولت ایران. این رساله به توضیح و شرح دو علم و نه بیرق موجود کشور پرداخته است.

بخش بیانی کتاب شامل فهرست منابع و نمایه (اعلام اشخاص، اماکن، کتاب‌ها، ایل‌ها، بیماری‌ها، گیاهان، اسلحه، کانی‌ها) و فهرست اشعار (فارسی و عربی) است.

چند نکته:

تا آنجا که می‌دانیم جناب استاد میرهاشم محدث نزدیک به سی سال است که به تصحیح و احیای آثار محمد حسن خان اعتماد السلطنه (۲۱ شعبان ۱۲۵۶ - ۱۸ شوال ۱۳۱۳)، وزیر انطباعات دربار ناصرالدین شاه قاجار مشغول است. مطلع الشمس وی آخرین اثری است که میرهاشم محدث آن را آماده چاپ کرده و به زودی منتشر خواهد شد. از ویژگی‌های استاد میرهاشم محدث که همچون پدرشان زنده یاد میرجلال‌الدین محدث ارموی به اخلاق زیبا و قابل ستایش آراسته‌اند، می‌توان به تواضع، شاگردنوازی، قدرشناسی که آخرین نمونه آن مطلبی بود برای پاسداشت خدمات استاد رسول جعفریان در کتابخانه مجلس که در روزنامه اطلاعات چاپ شد، رعایت امانت و خوش برخوردی اشاره کرد. وی در آثار خود نیز چنین ویژگی‌هایی را دنبال می‌کند؛ از جمله با پرهیز از اطناب در پاورقی، خواننده را در میان نسخه بدل‌های بی‌مورد و توضیحات اضافه رها نمی‌کند. وی جز به توضیح موارد ضروری و حل مشکلات نسخه‌ها به چیز دیگر نمی‌پردازد. از دیگر ویژگی آموزنده وی اینکه، چون بسیاری از محققین چندین و چند کتاب را زیر بغل برای تصحیح ندارد و تا تصحیح کتابی را به انجام نرساند، به تصحیح کتابی دیگر نمی‌پردازد؛ مگر اینکه به دلایلی تصحیح کتاب قبلی متوقف شود.

متن‌هایی که تصحیح کرده به زیبایی و خوشخوانی منتشر کرده است؛ از جمله کتاب‌های منظر الاولیا، جنة الاخبار به انضمام نخبه الاخبار (هر دو چاپ کتابخانه مجلس).

رسائل اعتماد السلطنه نیز دارای همین ویژگی‌هاست. عنوان بندی‌های مناسب در داخل گروه، شرح واژگان خاص در پاورقی و درج نمایه‌ای کاربردی در پایان کتاب، متنی خوشخوان به دست داده است. تنها مطلبی که درباره رسائل می‌توان گفت اینکه ظاهراً در چینش مقالات هدف خاصی دنبال نشده و حال آنکه می‌توانست به ترتیب انتشار آنها در روزنامه ایران یا تقسیم بندی موضوعی تنظیم شوند.